

اعتراضات معلمان بی وقفه ادامه دارد

معلمان در سراسر کشور دست به تجمعات اعتراضی زدند



صفحه ۲

فراخوان به مبارزه علیه اعدامها در ایران
با تمام قوا در برابر اعدامها
بایستیم!

صفحه ۸

"حضور فعال در پایین – فشار بر بالا!"

سخنرانی در سمینار "نقش نهادهای ایرانیان خارج از کشور"

علی جوادی

صفحه ۳

جایگاه شبکه های اجتماعی

مصاحبه با شیرین شمس فعال سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۶

از ما میپرسند ؟
آزادی از صندوق رای بیرون نمی آید

حمید تقوایی

صفحه ۷

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۰۴

جمعه ۲۸ فروردین ۱۳۹۴، ۱۷ آوریل ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

جام زهر نوزان و تیغ کند اعدام!

کارگران در برابر سرمایه و شلاق اسلامی
اش!

نگرانی دلوپسان چگونه رفع میشود؟

صفحه ۵

تجمعات اعتراضی معلمان در شهرهای
کردستان

صفحه ۲

تجمع اعتراضی کارگران فولاد آذربایجان
و گیربکس سازی میانرو

صفحه ۲

روزشمار اعدامها در ایران
از آغاز سال ۱۳۹۴

صفحه ۴

نامه مینا احدی به بان کی مون دبیر کل
سازمان ملل و مارتین شولتز رئیس
پارلمان اروپا

صفحه ۸

تجمع اعتراضی کارگران فولاد آذربایجان و گیربکس سازی میانرو



روز پنج شنبه ۲۰ فروردین صدها کارگر اخراجی فولاد آذربایجان در کنار کارگران گیربکس سازی «میانرو» مقابل دفتر نماینده میانه در مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. ۳۰۰ کارگر اخراجی فولاد آذربایجان در اعتراض به بلاتکلیفی و به جیب زدن دومه حقوق معوقه و عیدی کارگران توسط کارفرما به این تجمع اعتراضی دست زدند. کارگران گیربکس سازی میانرو هم که به بهانه رکود تولید خطر اخراج بالای سرشان قرار دارد در این تجمع اعتراضی شرکت داشته اند. کارخانه فولاد آذربایجان با ۵۷۰ کارگر، بزرگ ترین کارخانه فولاد شمالغرب کشور و تنها کارخانه تولید فولاد در آذربایجان شرقی است که در بهمن سال ۱۳۹۳ به بخش خصوصی واگذار شد و همه کارگرانش اخراج شدند. در نتیجه اعتراض کارگران، قرار بود این کارخانه مجدداً به شرایط سابق بازگردد و کارگران در کار خود ابقا شوند که تاکنون این کار عملی نشده است و کارگران کارخانه در

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
جمعه ۲۱ فروردین ۱۳۹۴
۱۰ آوریل ۲۰۱۵



تصاویری از تجمعات اعتراضی معلمان

اعتراضات معلمان بی وقفه ادامه دارد معلمان در سراسر کشور دست به تجمعات اعتراضی زدند

معلمان شهرهای مختلف و از طریق شبکه ها و مدیای اجتماعی منتشر شده بود و استقبال گسترده معلمان از این فراخوان عزم راسخ معلمان برای تداوم اعتراض را نشان میدهد. اول مه روز جهانی کارگر نزدیک است. حزب کمونیست کارگری کلیه کارگران، معلمان، پرستاران، اعضای خانواده های آنها و همه مردم آزادیخواه را به اتحاد و آمادگی برای برپایی یک اول مه باشکوه فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ فروردین ۱۳۹۴، ۱۶ آوریل



تجمعات اعتراضی معلمان در شهرهای کردستان

جامعه است. یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر و دوازدهم اردیبهشت روز معلم در راه است. در این دو مناسبت، کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارمندان و دیگر مزدبگیران چند برابر زیر خط فقر می توانند همگام و متحد در تجمعاتی که به این مناسبتها برگزار میشوند بار دیگر بمیدان آمده و در قامتی گسترده و قدرتمند با برافراشتن پرچم مطالباتی خود روز جهانی کارگر و روز معلم را هرچه با شکوهرت برگزار کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
۲۷ فروردین ۹۴
۱۶ آوریل ۲۰۱۵

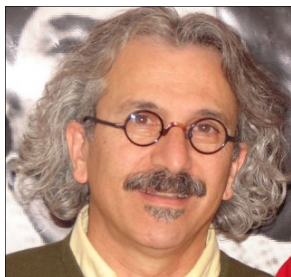
گفته میشود که در بسیاری شهرهای دیگر نیز این تجمعات برگزار شده است. معلمان با دست داشتن پلاکاردهای مختلف و طومارهای امضا شده در مقابل ادارات آموزش و پرورش تجمع کرده و خواهان افزایش حقوق ها، آزادی معلمان زندانی و سایر خواست های خود شدند. بر پلاکاردهای معلمان شعارهایی مانند معیشت همراه با منزلت، بهبود سطح معیشت معلمان حق مسلم است، معلم بیدار است از تبعیض بیزار است به چشم میخورد. فراخوان این تجمعات از جانب

امروز ۲۷ فروردین هزاران نفر از معلمان در دهها شهر دست به تجمعات اعتراضی زدند و خواهان پیگیری فوری خواست های خود شدند. کرمانشاه، تهران، اصفهان، کرج، ساوه، همدان، سنندج، مریوان، شیراز، ساری، خرم آباد، زنجان، یزد، الیگودرز، خدابنده، جاجر، شاهرود، دیلجان، کمیاران، سقز، بوکان، قروه، پاوه، قزوین، بجنورد، بروجرد، ارومیه، داراب، قم، زاهدان، خدابنده، ابهر، کرمان، اراک، ایلام، هرمزگان، بندر عباس، بندر امام و ایوان از جمله شهرهایی است که در آنها تجمعات معلمان برگزار شده است.

خواسته های بر حق و انسانی اشان تاکید داشتند گوش فرا داده و با کف زدن مورد حمایت قرار دادند. جوش و خروش هزاران نفره معلمان در سراسر کشور برای برخورداری از یک زندگی انسانی، خواست کل جامعه است. دهها مطالبه معلمان و در راس آنها خواست افزایش حقوق ها و آزادی معلمان زندانی تنها با تداوم تجمعات و اعتراضات گسترده و متحدانه معلمان و حمایت بخشهای مختلف مردم از آنان میسر است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به همه معلمان درود میفرستد و از خواست و مطالبات برحق آنان حمایت میکند. افزایش دستمزدها یک مسئله محوری و عمومی برای نیروی کارکن در

روز پنج شنبه ۲۷ فروردین هزاران نفر از معلمان شهرهای سنندج، مریوان، سردشت، بوکان، کامیاران، سقز، قروه، پاوه و ... با دیگر معلمان سراسر کشور که در اقدامی هماهنگ و از طریق شبکه ها و مدیای اجتماعی اطلاع رسانی شده بود دست به تجمعات اعتراضی زده و برای بار دوم خواهان تحقق خواست و مطالبات خود شدند. در تجمعات اعتراضی معلمان در سنندج خانواده های دانش آموزان نیز از این تجمع حمایت کردند. معلمان با دست داشتن پلاکارتهایی مبنی بر "افزایش حقوق ها، آزادی معلمان زندانی، معلم بیدار است از تبعیض بیزار است و معیشت همراه با منزلت"، به سخنرانی تندی چند از معلمان که بر



حضور فعال در پایین - فشار بر بالا!

سخنرانی در سمینار "نقش نهادهای ایرانیان خارج از کشور"

علی جوادی

سرنوشتی حکومت اسلامی بهره برداری خواهند کرد. چرا که دیده اند نقطه سازی میان مردم و حکومت آدمکشان اسلامی موجود نیست. چرا که شاهد صدور حکم مردم برای سرنوشتی رژیم اسلامی بوده اند. دیده اند که چه مخاطرات جدی ای "بازی" با اعتراضات در جامعه میتواند برای رژیم اسلامی به دنبال داشته باشد. در اینجا کماکان سؤال محوری برای حکومت و جناهایش این است که چگونه میتوان عمر سیاه حکومت اسلامی را در دوام بخشید. دوم خرداد اساساً آن را در چهارچوب "اصلاح حکومت" و سازش مردم با حکومت دنبال میکرد اما ائتلاف روحانی - رفسنجانی تصور و نقشه دیگری دارند. این باند در دوره حاضر به شدت بر حلقه تغییر مناسبات سیاسی و دیپلماتیک میان حکومت اسلامی و غرب تکیه میکند. سخنرانی روحانی در فردای اعلام "تفاهات لوزان" بیان گویای سیاست این جناح حکومت اسلامی است. این تحولات در حال حاضر تأثیرات روشنی در فضای سیاسی ایجاد کرده است. دو جناح حکومتی در پیش برد این سیاست متحدند، هر چند که جناح خامنه ای برداشت "تک نوبتی" و به درجه ای "تاکتیکی" تری از این چرخش سیاسی و "نرمش قهرمانانه" دارد. اما اشتراکشان اینجاست که حلقه کنونی تداوم بخشیدن به عمر حکومت اسلامی را در تغییر مناسبات با آمریکا و غرب دنبال میکنند.

در عین حال در طرف مقابل هم، در هیأت حاکمه آمریکا، گرایش قوی ای وجود دارد که آن سیاستی را قبلاً تحت عنوان "مشتبای گره کرده" از نام میبردند به کناری بگذارند و "دستش" را برای گرفتن دست طرف مقابل دراز کرده است تا به توافقی برسند.

این واقعیت مهمترین تغییر در

حکومت اسلامی تأثیرات معینی بر کار و فعالیت ما در خارج کشور خواهد گذاشت که باید آن را شناخت و در سیاست چگونگی مقابله با نفوذ حکومت اسلامی در خارج کشور ملحوظ کرد.

شاید گفته شود که این سیاست ادامه سیاست خاتمی در قبال غرب است. پدیده جدیدی نیست. تحول جدیدی صورت نخواهد گرفت. بنظر باید تفاوت و تمایزات این سیاست را با سیاست خاتمی در آن دوران شناخت. یک مساله عمده این است که راس حکومت اسلامی و باند خامنه ای حال با هر ملاحظه ای و چشم اندازی با این سیاست موافق است. بحث خودشان این است که "تک نوبتی" موافقت در عین حال خود ائتلاف روحانی - رفسنجانی که چشم انداز استراتژیکی از این "تعامل" دارند، میدانند که باید تحول را در بالا محدود کنند. بر خلاف سیاست آن دوران که جریانی آن را "فشار از پایین و چانه زنی در بالا" فورموله کرده بود، اینها تکه "چانه زنی در بالا" را دنبال میکنند و بالا در این جا شامل حکومتیهای غربی و آمریکا مشخصاً میشود. در دوران خاتمی ما شاهد شکل گیری و تحرك گسترده يك جنبش ارتجاعی تحت عنوان جنبش دوم خرداد بودیم. این بار چنین با چنین پدیده ای مواجه نیستیم و پرچمداران چنین سیاستی نیز چنین "توهمی" ندارند. این بار سیاست "اصلاح طلبی حکومتی" بر مبنای گسترش يك جنبش ارتجاعی در جامعه در دستور این جریان است. ما آن جنبش را عمیقاً نقد و افشا کردیم و ماهیت ارتجاعی و تلاش آن برای حفظ حکومت اسلامی را به جامعه نشان دادیم. مساله اینجاست که این بار "پروستاریکایی" در کار نیست. قرار نیست جنبش ارتجاعی مانند دوم خردادی را در روزی زمین دامن بزنند. چرا که تبعات انفجاری آن را در جامعه دیده اند. دیده اند که مردم از هر درجه "گشایشی" برای

نظامی به يك احتمال جدی در سیر این تحولات تبدیل شده بود. مساله حمله نظامی به ایران بالای سر حکومت اسلامی و همچنین سر جامعه قرار گرفت. همچنین جنگهای منطقه ای به مرزهای جامعه ایران نزدیک تر شدند و در برخی از محافل استراتژیک ارتجاعی غرب، بمباران ایران بعد از عراق و سوریه به يك احتمال واقعی تبدیل شده بود. این سیاست عمیقاً ارتجاعی بعضاً از جانب برخی هم پیمانان ایرانی این محافل دست راستی در اپوزیسیون حکومت اسلامی نیز دنبال میشود. جمهوری اسلامی در مواجهه با این واقعیت و اینکه گسترش چنین تقابل خونینی سرنوشت حکومت اسلامی را رقم خواهد زد، دست به يك چرخش استراتژیک زدند. برای حکومت اسلامی مسجل شده بود که تداوم سیاست تنش زایی در سطح منطقه میتواند رژیم را به پای يك جنگ تمام عیار بکشاند. این سیاست را ناچاراً به کنار گذاشتند. از صندوق در آمدن روحانی در مضحکه انتخاباتی حکومت اسلامی یکی از نتایج این چرخش بود. خامنه ای این سیاست را تحت عنوان "نرمش قهرمانانه" فورموله کردند. و ارگانهای اصلی حکومت اسلامی بر روی این سیاست کم و بیش به توافق رسیدند و سعی کردند که مذاکرات با آمریکا و غرب را در شکل متفاوت و اهداف متفاوتی دنبال بکنند. از این رو سیاست "تعامل با غرب"، سیاست سازش با غرب و آمریکا در دستور حکومت اسلامی قرار گرفت. و نتیجه آن شد که همگان شاهدش بودیم: مذاکرات گسترده و مستقیم با آمریکا که قبلاً يك تابوی اسلام سیاسی بود و حتی مطرح شده بود که باید برای اتخاذش به "فرانودم" متوسل شد، اکنون بطور گسترده در حال اجرا بود.

این تحولات و تغییر مناسبات سیاسی - دیپلماتیک غرب و یا جناحهای از هیأت حاکمه غرب با

تغییراتی در میان مناسبات دولتها و حکومتها، میان حکومتها در کشورهای غربی و آمریکا از يك طرف با حکومت اسلامی حاکم بر ایران از طرف دیگر است. این مناسبات در حال تغییر یافتن هستند و مساله توافقات احتمالی "هسته ای" نقطه عطفی در معادلات سیاسی و رابطه متقابل آمریکا و دول غربی با حکومت اسلامی خواهند بود که نتایج و تبعات بسیاری برای ما فعالین جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب و سرنوشتی طلب خواهد داشت.

برای بررسی باید اشاره کرد که کدام عواملی باعث شدند که این تغییرات شکل بگیرند و ما شاهد چنین روند سیاسی ای باشیم. در پاسخ و در درجه اول باید به شکست سیاست استراتژیک حکومت اسلامی در دوره گذشته، شکست استراتژی تخصص همه جانبه، شکست سیاست تنش زایی حکومت اسلامی در دوران احمدی نژاد تاکید کرد. شکست سیاسی کور ضد آمریکایی گری، ضد غربی گری حکومت اسلامی. جمهوری آدمکشان اسلامی در دوران احمدی نژاد سیاست دمیدن بر آتش تنش و کشمکش و به این اعتبار تأمین حضور فعال سیاسی خودش را در این کانونها دنبال میکرد و سیاست گسترش پر و بال ارتجاعی خودش را بر این مینا استوار کرده بود. هدف این سیاست همان هدف دائمی و همیشگی جمهوری اسلامی بود، تلاش برای تضمین بقای بیشتر حکومت اسلامی. این سیاست شکست خورد. به نتایج مورد نظر حکومت اسلامی منتج نشد. روشن شد که افزایش تقابل آمریکا و متحدینش و حکومت اسلامی، آن چیزی که ما در ادبیات سیاسی خودمان از آن بعنوان تقابل دولت تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی نام برده بودیم، به درجه ای رسید که خطر حمله نظامی و رو در رویی

با تشکر از برگزار کنندگان و با سلام به همگی شرکت کنندگان. تم سمینار امروز "نقش نهادهای ایرانیان خارج از کشور" و مساله چگونگی مقابله با حضور رژیم اسلامی در این نهادها است. من بحث خود را اساساً در قالب چگونگی پیشبرد مبارزه موثر و مترقی علیه رژیم جمهوری اسلامی در خارج کشور در شرایط حاضر "در دورانی که میتواند پس از توافق حکومت اسلامی شکل بگیرد"، طرح میکنم.

اجازه دهید که با نقل قولی صحبتها را شروع کنم. نقلی از باب دین. میگوید: "The times, they are changing".

زمانه در حال تغییر است. اشاره اش به تغییر و تحولات عظیم دهه شصت در آمریکا است. جنبش حقوق مدنی "جنبش ضد جنگ ویتنام" جنبش خلاصی فرهنگی و برابری زنان که تغییرات مهم و دیرپایی را بر فضای سیاسی آمریکا بجا گذاشت. امروز هم شرایط در حال تغییر است. شرایط کار ما در خارج کشور نیز به درجاتی در حال تغییر است. البته دامنه تغییرات شاید به گستردگی و عمق تحولات دهه شصت نباشد. اما مهم این است که نیروهای آزادیخواه، برابری طلب، سکولار و کمونیست بتوانند خودشان را بطور موثر برای شرایط جدید حاضر بکنند و راههای مقابله با سیاستهای رژیم اسلامی را در دوره جدید پیشرو برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی در دستور قرار دهند.

اصلی ترین سئوالی که در شرایط حاضر به نظر مطرح است این است که مولفه های تغییر کدامها هستند و این تغییر و تحولات سیاسی چه شرایط ویژه ای برای پیشبرد امر مبارزه ما ایجاد میکند؟

تغییراتی که در شرایط کنونی در حال شکل گیری هستند، تغییراتی در بالای جامعه هستند،

"حضور فعال در پایین - فشار بر بالا!"

از صفحه ۳

فضای سیاسی حاضر برای ماست که باید با توجه به آن سیاستهای مبارزاتی خودمان را شکل دهیم. واقعیت این است که هرگونه نزدیکی مناسبات دول غربی با حکومت اسلامی، هرگونه بند و بست میان غرب و حکومت اسلامی، فضا را برای جریانات لابیستی حکومت اسلامی، جریاناتی که مستقیماً سر نخشان در دست حکومت اسلامی است و همچنین جریانات مدافع حکومت اسلامی که در تاریخ خود همواره از بخشهایی از حکومت اسلامی دفاع کرده‌اند، بازتر خواهد کرد. بلندگوهای رسانه‌ها هر چه بیشتر در اختیار این جریانات قرار خواهد گرفت و مذبوحانه میکوشند فشار بیشتری را بر جریانات آزادیخواه و سرنوشتی طلب اعمال کنند.

حکومت اسلامی در این دوره و با وجود فضایی که برایش ایجاد خواهد شد تلاش خواهد که در نهادهای فرهنگی، آکادمیک و حرفه‌ای نفوذ و جای پای پیدا کند. و بتواند این ارگانها را به طرف سیاستهای انتحالی روحانی، رفسنجانی سوق و به این اعتبار به سیاستهای حکومت اسلامی سوق دهد. تلاش خواهد که چه آشکارا و چه پنهان در ارگانهای این چنینی و از این طریق سیاست خود را پیش ببرد. و در عین حال برای پیشرفت سیاستهایش با غرب از این ارگانها بهره‌برداری کند. به این اعتبار قابل پیش بینی است که رژیم اسلامی تمرکز ویژه‌ای بر این روی این نهادها خواهد داشت و کلاً هزینه قابل ملاحظه‌ای صرف گسترش سیاستش در دوره جدید خواهد کرد. این اهرمهای پیشبرد سیاست رژیم اسلامی را باید شناخت و به مقابله با آنها رفت.

خلاصه کنم، برای روشن شدن سیاست دوره‌ای حکومت اسلامی باید گفت که این بار برای پیشبرد سیاست ارتجاعی تداوم بخشیدن به عمر سیاه حکومت اسلامی قرار نیست روی زمین کار بکنند و یا اینکه رکن اصلی سیاستشان را بر آن استوار کنند. تجربه شکست سیاست خاتمی را که تلاش میکرد

میکنند به بند و بست با حکومت اسلامی برسند. جامعه، مردم آزادیخواه شاهد تلاش گسترده ما باشند که حکومت اسلامی حکومت مشروع حاکم بر ایران نیست، حکومت سرکوب، ارتجاع، نابرابری، اختناق و استثمار و جهل و عقب ماندگی و فقر و فلاکت است. و نمایندگانش باید از کلیه مجامع بین المللی اخراج شوند. همانطور که نمایندگان حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی از کلیه مجامع بین المللی اخراج شدند، نمایندگان حکومت اسلامی نیز باید از کلیه این مجامع اخراج شوند. ما باید تلاش بکنیم که مبارزه‌ای موثر و پر سر و صدا را به پیش ببریم. کمپین‌های موجود و موثر علیه رژیم اسلامی را تقویت بکنیم. کمپین برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی، کمپین برای جلوگیری از اعدامهای حکومت اسلامی، کمپین برای برابری زن و مرد در جامعه و کمپین علیه فقر و فلاکت تحمیلی بر جامعه دنبال کنیم.

اما در عین حال باید متوجه باشیم که "تر و خشک" را نباید با هم سوزاند. سیاست ما باید در قبال جریانات لابیستی حکومت اسلامی و بخشهایی از جنبش ملی اسلامی که سیاست دفاع از حاکمیت را دنبال میکنند، باید دارای تمایزات روشنی باشد. یکی را باید جلوی فعالیتش را گرفت، باید مانع تحرکش شد. باید بساطشان را برچید. اما دیگری را باید با نقد و جل و افشای جوهر سیاستهایشان را نشان داد. ما سیاست اصلاح طلبان حکومتی در اپوزیسیون را که از ارکان حاکمیت اسلامی دفاع میکنند، نقد و افشا میکنیم، کراهت سیاستشان را به جامعه نشان میدهم. اما تلاش میکنیم تا بساط جریانات لابیست را که سر نخشان در دست حکومت اسلامی است، به ثبات از حکومت اسلامی به این طرف و آن طرف میروند، بر بچینیم. در یک کلام سیاست ما در قبال عوامل حکومتی و لابیستهایشان از سیاست اصلاح طلبان حکومتی در جنبش ملی - اسلامی متفاوت است. ما دست جریانات حکومتی را کوتاه خواهیم کرد.

در عین حال ما نباید هیچ گونه همسویی با جریانات فوق ارتجاعی و دست راستی در حاکمیت این

کشورها که در تقابل با حکومت اسلامی صف آرایی میکنند، داشته باشیم. این جریانات متحدین ما نیستند، اینها دلسوزان مردم نیستند. اینها دلسوزان آزادی و برابری و رفاه و سعادت جامعه نیستند، چرا که در جامعه خودشان دلسوزان هیچکدام از این مولفه‌های سیاسی نیستند. بلکه برعکس در مقابل هر تحول آزادیخواهانه و برابری طلبانه هستند.

خلاصه کنم، کاری که ما باید انجام دهیم این است که با تغییر شرایط سیاسی، باید آمادگی لازم را کسب کنیم. تشدید مبارزه علیه رژیم اسلامی، تشدید مبارزه برای اخراج حکومت اسلامی از کلیه مجامع بین المللی و کوتاه کردن دستشان آن محور اساسی است که در قبال این شرایط جدید باید با جدیت دنبال کرد و در عین حال با شرکت گسترده و فعال در کمپین‌های اعتراضی مبارزه برای آزادی

روزشمار اعدامها در ایران
از آغاز سال ۱۳۹۴

حداقل ۵۲ اعدام در فاصله کمتر از یک ماه. در سه روز گذشته حداقل ۲۴ اعدام شدند و این روند شتابان ادامه دارد.

این آمار و ارقام، اعدادی روی کاغذ نیستند. اینها یعنی زندگی و آرزوها و امیدهای حداقل ۵۴ نفر به دست جلادان اسلامی نابود شدند. این یعنی هزاران خانواده داغدار شدند و زندگیهای بسیاری نابود شد. این آمار یعنی در زندانهای ایران، هزاران محکوم به اعدام با وحشت اعدام شرب را به سر میبرند و خطر طناب دار بر بالای سر تعداد بسیاری جدی تر شده است. بعد از توافق لوزان همچنان که در این روزشمار نیز پیدا است آمار اعدامها یکباره چندین برابر شده است.

باید بپا خاست و کاری کرد. یکبار دیگر از همگان دعوت میکنیم متحدانه در مقابل این دستگاه آدمکشی ایستاده و اعتراض کنند!

۶ فروردین ۱ نفر زندان وکیل آباد مشهد

۹ فروردین ۱ نفر زندان شیراز

۱۰ فروردین ۲ نفر زندان بوشهر

۱۱ فروردین ۱ نفر دیزل آباد

زندانیان سیاسی، مبارزه برای نجات جان انسانهای که در زیر صف اعدام حکومت اسلامی قرار دارند، مبارزه گسترده برای برابری زن و مرد در جامعه، مبارزه برای جدایی دین از دولت، مبارزه برای سکولاریسم، مبارزه برای کوتاه کردن دست مذهب از شئون جامعه، بطوریکه بتوانیم با اتکا، بر این کمپین‌ها فشار قابل ملاحظه و پر سر و صدایی بر بالانها اعمال بکنیم. این فشار باید تاثیر گذار بر رسانه‌های این جوامع باشد. و کلاً صدای آزادیخواهی و برابری طلبی و انسانگرایی در جامعه باشد. و چنان فشاری را بر جریانات حکومتی اعمال کند که این جریانات ناچار به این خواست مردم در ایران تن دهند که حکومت اسلامی نماینده مردم نیست و باید از کلیه مجامع بین المللی اخراج شود. با تشکر از شما!

کرمناشاه

۱۵ فروردین ۱ نفر زندان زابل

۱۶ فروردین ۴ نفر شیراز

۲۰ فروردین ۲ نفر بندرعباس

۲۲ فروردین ۱۱ نفر رجایی شهر

۲۲ فروردین ۸ نفر زندان مرکزی کرج

۲۲ فروردین ۴ نفر اصفهان

۲۳ فروردین ۲ نفر عادل آباد شیراز

۲۵ فروردین ۱۵ نفر قزل حصار

اینها آمار اعدامهایی است که به دست نهادهای علیه اعدام و از جمله کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده، ما مطمئن هستیم آمار اعدامها بسیار بالاتر از این است و جمهوری اسلامی ایران مخفیانه در همه زندانها خون میریزد. به این جنایات حکومت اسلامی باید اعتراض کرد. این وظیفه همه ما است!

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۶ فروردین ۱۳۹۴

۱۵ آوریل ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

جام زهر لوزان و تیغ کند اعدام!

بعد از جام زهر لوزان جمهوری اسلامی به اعدام‌های جمعی روی آورده است. به گزارش کمیته علیه اعدام در عرض کمتر از سه هفته دستکم ۵۵ نفر در ایران اعدام شده اند. بعد از جام زهر ختم جنگ با عراق نیز رژیم به اعدام‌های گسترده زندانیان سیاسی دست زد. این بار البته حکومت اسلامی بسیار ضعیف تر و متزلزل تر از آن دوره است و بهیچوجه توان و امکان قتل عام‌های تاپستان ۶۷ را ندارد اما هدف از اعدام‌های اخیر نیز مانند آن قتل عام ارباب جامعه است. جرم محکومین سیاسی نیست اما علت اعدام‌ها سیاسی است. به اتهام مواد مخدر اعدام میکنند اما به عنوان "مفسد فی الارض" و "بنا به دستور از بالا".

ما همیشه بر این واقعیت تاکید کرده ایم که مجازات اعدام، مستقل از اینکه برای چه جرمی صادر شده، قتل عمد دولتی است و در همه کشورها باید لغو بشود اما در جمهوری اسلامی اعدام جنایتی مضاعف است. نه تنها به اتهاماتی که اساسا جرم نیست و بخاطر جرم هائی که کیفرش حتی در کشورهای که مجازات اعدام هنوز برنیفتاده، اعدام نیست، بلکه با اهداف و انگیزه های سیاسی و به شکل جمعی اعدام میکنند. گوئی لشکر ذخیره ای از قربانیان را در زندانها جمع کرده اند که هر وقت مصلحت نظام خونخوارشان ایجاب کند گروهی از آنان را به دار بکشند. اعدام قتل عمد دولتی است اما جمهوری اسلامی تنها يك قاتل عادی نیست، بلکه يك

جانی بالفطره و يك قاتل زنجیره ای است که برای بقای رژیم متزلزل اش نیاز به اعدام دارد. شکست رکورد اعدامها در سال گذشته و اکنون اعدام بیش از ۵۵ نفر در کمتر از سه هفته صرفا به این دلیل نیست که سیستم قضائی جمهوری اسلامی مبتنی بر قصاص و انتقامگیری های مذهبی - عشیرتی و متعلق به عهد دقیانوس است بلکه اساسا به این خاطرست که يك نظام لرزان و منفور در جامعه برای بقای خود به تیغ اعدام نیازمند است. قصاص اسلامی تنها ظرف و ابراز عقیدتی برآورده شدن این نیاز را فراهم میکند. با تیغ اسلام میزنند و میکشند که بقای رژیم منحوس و منفورشان را حفظ کنند.

اما هر چه بیشتر میکشند لرزان تر و منفور تر میشوند. تنها اوجگیری اعتراض و مبارزه علیه اعدام در یکسال اخیر از بیانیه های چهره های ورزشی و هنری و ادبی علیه مجازات اعدام گرفته تا حرکت انسانی مادران بخشش و اعتراضات خانواده های محکومین به اعدام و تا استقبال و حمایت توده ای مردم در ایران و در همه کشورها از کارزار نجات ریحانه جباری، همه نشان دهنده ایست که جامعه مقهور و مرعوب نشده است. اعدام میکنند و خود بیشتر در باتلاق فرو میروند. جام زهر واقعی و کارساز را بالاخره جامعه به ستوه آمده از قصاص و اعدام و شلاق به جانین حاکم خواهد خورد.

کارگران در برابر سرمایه و شلاق اسلامی اش!

"یدالله صمدی و اقبال شبانی دو فعال کارگری در سنجند به ۵ ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند."

سایت ایلنا

جرم این کارگران "اخلال در نظم" اعلام شده است. رسما و علنا کارگر را برای حفظ نظم سرمایه به شلاق میکشند! باید در برابر این جنایت با تمام قدرت ایستاد و رژیم اسلامی سرمایه را به عقب راند.

جمهوری اسلامی تجسم خدمتگزاری تمام و کمال مذهب به نظم سرمایه و سرمایه داری است. اعتراض و مبارزه علیه اجحافات و بیحقوقیها و تبعیضاتی که سرمایه به کارگر تحمیل کرده است "اخلال در نظم" نامیده میشود و با ضربات شلاق پاسخ میگردد! شلاق همانند قصاص و سنگسار و تعزیر يك قانون شرعی و حکم الله است، اما تحمیل آن بر جامعه بخاطر اعتقادات و تعصبات مذهبی آیت الله های حاکم نیست، بخاطر شروتی است که از قبل چپاول کارگران اندوخته اند. بخاطر پاسداری "روحانی" از "عواید مادی" است. شلاق مستقیما

به عواید و ثروت و مال و منال آیت الله های میلیاردر مربوط میشود و نه به ایمان و اعتقاد اسلامی آنان. اسلام مانند هر مذهب دیگری صرفا يك سیستم عقیدتی نیست بلکه يك تجارت و کار و کسب پردآمد است، و اسلام در حکومت صرفا ابزاری است برای سرکوب مقدس کارگر بدست عمال عمامه بسر سرمایه!

در جمهوری اسلامی مبارزه کارگر علیه سرمایه داری به مبارزه او علیه مذهب گره خورده است. اعتراضات و مبارزات هر روزه کارگران ایران علیه فقر و بیحقوقی و برای تحقق منزلت و معیشت طبقه خود و توده عظیم مردمی که بجزر خط فقر رانده شده اند از مبارزه آنان علیه بساط سلطه مذهب و شلاق و اعدام و تعزیر و قصاص جدا نیست. اگر بورژوازی در ایران چاره ای بجز توسل به اسلام برای حفظ و بقای حاکمیت منحوس خود ندارد، جامعه ایران نیز برای رهائی از شر حاکمیت و قوانین فوق ارتجاعی اسلامی، راهی بجز ریشه کن کردن سرمایه داری ندارد. اول مه امسال مناسبتی برای تاکید و برجسته کردن مجدد این واقعیت در جامعه ایران است.

نگرانی دلوایسان چگونه رفع میشود؟

حسینیان رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی در پاسخ به اظهارات رفسنجانی میگوید: "آقای هاشمی باید بدانند کسانی امام را ناراحت کرده و می کنند که به آرمانهای ایشان توجهی ندارند.

کسانی که ادعای حذف شعار مرگ بر آمریکا را دارند، همان هایی هستند که امام را آنروز و امروز اذیت می کردند؛ کسانی که برای دفاع حقوق مردم و دفاع از مبانی انقلاب اسلامی در صحنه حضور دارند مدافع حقیقی خمینی بوده و هستند. کسانی که دم از تعامل با دنیا و آمریکا می زنند چگونه می تواند ادعای پیروی از خط امام را داشته باشند؟"

اشاره حسینیان به نه اظهارات اخیر هاشمی بلکه گفته ای از او در دو سال قبل است مبنی بر آنکه آقا با شعار مرگ بر آمریکا مخالف بود! دعواهای کهنه دوباره نو میشود اما این بار کشمکش صرفا بر سر نقل قول و موضعگیری لفظی و وفاداری به خط امام نیست. خمینی هر چه گفته یا نگفته امروز چنان خرشان در گل گیر کرده است که مجبورند جام زهر رابطه با شیطان بزرگ را تا ته سر بکشند. سه دهه قبل برای عقب راندن انقلابی که سر باز ایستادن نداشت معرکه سفارت گیری و کوبیدن بر طبل شیطان بزرگ را براه انداختند، اما این بار تمام هراسشان اینست که معرکه تعامل و تنش زدائی با شیطان بزرگ، به انقلاب کوبنده دیگری منجر بشود. این نگرانی کاملا بجائی است که تنها با سرنگونی حکومت برطرف خواهد شد!

"آدمهای خشکه مقدس، جاهل و نادان نیز هستند که معتقدند امروز همه مصیبت این است که چند زن بدحجاب در خیابان باشد، بله این مصیبت است، اما مسئله این است که بقیه مسائل مانند زندانها، ظلم ها، سرکوب ها و حق هایی که از مردم ضایع می شود چه می شود؟" هاشمی رفسنجانی

یکشنبه گذشته این اظهارات رفسنجانی داد اصولگرایان را درآورد. گفتند با وجود رفسنجانی به احمد شهید نیازی نیست، گفتند این بساط را خود ایشان در دوره ریاست جمهوری بر پا کرده است و "کسی که ۸ سال رئیس جمهور بوده و در دوران ریاست جمهوری اش زیربنای امنیتی شدن فضا را ریخته و با رفتاری که داشته موجب فاصله گرفتن برخی از انقلاب شده است؛ چگونه ادعای سرکوب در زندانها را دارد". گفتند حالا که یقه فرزندش را گرفته اند دادش بلند شده و غیره. هر دو جناح البته تا آنجا که از یکدیگر افشاگری میکنند درست میگویند. اصلاح طلب و اصولگرا همیشه در سرکوب و جنایت همراه و همدست بوده اند و امروز هم که تلاش میکنند جنایات رژیمشان را بپای جناح مقابل بنویسند عملا توحش و سرکوبگری ذاتی کل نظامشان را برملا میکنند. اما آنچه این درگیریهایی جناحی را از دور قبل متمایز میکند مساله رابطه با آمریکا است که بعد از توافق لوزان به محور کشمکش جناحها تبدیل شده است. اظهارات رفسنجانی ظاهرا ربطی با توافقات یا غرب ندارد ولی دعوای اصلی آنجاست.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

جایگاه شبکه های اجتماعی

مصاحبه با شیرین شمس فعال سازمان جوانان کمونیست



انترناسیونال: در جریان مسابقه فوتبال ایران و سوئد، استفاده از شبکه های اجتماعی برای جلب نظرات و پیشبرد کمپین علیه ممنوعیت ورود زنان به استادیوم ها در ایران، بسیار موثر بود و شما یکی از فعالین شناخته شده این عرصه بودید. این حرکت چگونه پیش رفت؟

شیرین شمس: به نظر من فعالیت های انجام شده در این کمپین بسیار موفقیت آمیز بود. سبک کار موفقیت آمیزی که يك هدف مشخص داشت و حول دو محور استوار بود. محور لغو ممنوعیت ورود زنان به استادیوم ها و برجسته کردن مساله بی حقوقی زنان در ایران و محور دیگر، اجازه مانور ندادن به جمهوری اسلامی در خارج از ایران به بهانه این بازی. این هدف را فقط میشد با يك حرکت جمعی و دخالت دادن هزاران نفری که قرار بود به تماشای بازی فوتبال ایران و سوئد در شهر استکهلم بیایند آسان و عملی کرد. نزدیک به ۳۵۰۰۰ بلیط برای این بازی فروخته شد که تقریباً ۳۱۰۰۰ خریدار بلیط، تماشاگران ایرانی بودند. همه تلاش ما این بود که فضای کلی را حول محورهای هدف مشخصی که اشاره کردم سازماندهی و همبسته کنیم. ما باید در افراد، ایجاد انگیزه میکردیم برای يك کار مشترک. و این انگیزه را که تلاش در خارج از مرزهای ایران، در سیاست های حاکم بر جامعه ایران تاثیر گذار خواهد بود، در افراد تقویت میکردیم. ما با فعالیت حول محور حضور زنان در سالن های ورزشی در ایران، که در سطح کلی به سهم خواهی زنان از جامعه و رهایی زنان مربوط میشود، مردم ساکن استکهلم و خارج از استکهلم را به مبارزه فرا خواندیم. و اما ابزاری که میشد با آن در سطح کلان و هزاران نفره این فضا را آماده و سازماندهی کرد و به مبارزه کشید، شبکه های

اجتماعی بود. در این میان ما بیشترین کار آماده سازی، فراخوان و سازماندهی را از طریق فیسبوک و یوتیوب پیش بردیم. قبل از روز ۳۱ مارس که بازی فوتبال برگزار شد، و روز ۳۱ مارس، درصد بالایی از این میزان بطور مستقیم و غیرمستقیم از طریق همین شبکه های اجتماعی در این حرکت جمعی همبسته شده بودند. واکنشهای سایت های وابسته به جمهوری اسلامی اعم از ورزش ۳ قبل و بعد از روز بازی، واکنشهای مسئولین جمهوری اسلامی بعد از این بازی در خصوص حق ورود زنان به سالن های ورزشی و تناقضات گفتاری آنها و اختلاف نظر بین وزارت ورزش و شورای امنیت ملی در جمهوری اسلامی، در خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی (ایرنا) حکایت از تاثیر هدفمند فعالیت گسترده ما در این کمپین بود.

انترناسیونال: شما تجربه خوبی از استفاده از شبکه های اجتماعی در سازماندهی اعتراضات و کمپین ها بیان کردید؟ بنظر شما نقش و تاثیر این شبکه ها در دنیای معاصر به چه میزان است؟

شیرین شمس: امروز شبکه های اجتماعی جزء لاینفک زندگی افراد بخصوص جوانان است. کاربران اینترنتی حول محورهای مشترک و متنوعی به صورت مجازی دور یکدیگر جمع می شوند و کانون های آنلاین را تشکیل می دهند. کانون های آنلاینی که از دنیای واقعی وارد دنیای مجازی میشود و مجدداً از دنیای مجازی وارد دنیای واقعی شود. در واقع شبکه اجتماعی متشکل از افراد و گروه ها و ارتباط بین آنهاست که میتوان حول يك موضوع مشخص، در آن صمیمیت و اعتماد و همنظری و سازماندهی ایجاد کرد. مفاهیمی که از طریق رابطه دو طرفه ایجاد میشود و در گذشته و با ابزارهای سابق، دستیابی و تحقق

آن به راحتی امکان پذیر نبود نیست. در واقع شبکه های اجتماعی دنیای معاصر امروز را با سرعت بسیار بالایی متحول کرده اند. انتشار سریع و آزادانه اخبار و وقایع و اطلاعات، آموزش از راه دور، افزایش قدرت تحلیل و موضع گیری و تقویت روحیه انتقادی، امکان عبور از مرزهای جغرافیایی و آشنایی با افراد و سایر جوامع و فرهنگ ها و قوانین، امکان بیان ایده ها به صورت آزادانه و آشنایی با ایده ها افکار و سلايق ديگران، و نیز امکان ارسال بازخورد، همکاری، همگامی و همبستگی کاربران و مشارکت در بحث ها، معرفی دیدگاهها و برنامه های شخصی و جمعی اعم از افراد حقیقی یا حقوقی در قالب شخص، سازمان، موسسه، حزب و غیره و نیز شکل گیری و تقویت خرد جمعی، از خصوصیات شبکه های اجتماعی است. خرد جمعی جریان پویای قوه تفکر کاربران در این محیط ها است که به عنوان يك پردازشگر بزرگ، اطلاعات را پردازش می کند و باعث میشود نیروی ذهن و تفکر کاربران شبکه های اجتماعی با یکدیگر ترکیب شوند و نیرویی بزرگ با قدرت پردازش بالا به وجود آیند. و نکته مهم اینکه مانع جدی برای تولید محتوا در شبکه های اجتماعی وجود ندارد و علیرغم رسانه های سنتی، رسمی و دولتی که محتوا را انحصاری و یکطرفه تولید و ارسال می کنند، در شبکه های اجتماعی انحصاری وجود ندارد و هر فرد حقیقی و حقوقی خود میتواند يك رسانه باشد، امکان گفتگو وجود دارد و جریان ارتباط دوطرفه است. بدین ترتیب است که شبکه های اجتماعی سرعت دامنه ارتباطات شده است.

انترناسیونال: چه محدودیت ها و چه موانعی در استفاده از شبکه های اجتماعی برای پیشبرد

مبارزات و اعتراضات سیاسی و اجتماعی وجود دارد؟
شیرین شمس: یکی از موارد مهم محدود کننده و مانع شونده فیلترینگ هست که حکومت جمهوری اسلامی روی اینترنت میگذارد. این فیلترینگ در اطلاع رسانی و سازماندهی در عرصه مبارزات سیاسی و اجتماعی اختلال ایجاد میکند. گسسته شدن ارتباطات دو طرفه یکی از موارد محدودیت برای پیشبرد امر سازماندهی مبارزاتی در داخل ایران است. که هم فعالین در داخل ایران با آن مواجه هستند، و هم فعالین خارج و داخل ایران وقتی با هم يك سازماندهی مبارزاتی مشخصی را پیش می برند. دستگیری فعالین توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به دلیل فعالیت در فضای مجازی که در اکثر موارد به احکامی مثل اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام منجر میشود، یکی دیگر از موانع جدی بر سر راه ماست. از دیگر موارد هم میتوان به فعالیت برخی کاربران شبکه های اجتماعی در راستای منفعل کردن کاربران دیگر و همچنین به شایعه پراکنی برای ایجاد اختلال در امر مبارزه اشاره کرد. بخشی از این شایعه پراکنی ها منوط به اخبار و وقایع میشوند که حقیقت نداشته اند و بخشی هم شایعه هایی چون این که عوامل جمهوری اسلامی تسلط گسترده بر فضای اینترنت دارند و همه پروفایلها و صفحات و گروهها را مانیتور و افراد را شناسایی میکنند. در واقع هدف از این

شایعه سازیها، ایجاد رعب و وحشت در کاربران اینترنتی است. در حقیقت این تسلط و شناسایی از طرف عوامل جمهوری اسلامی در فضای مجازی يك بزرگنمایی سیستماتیک در جهت منفعل کردن کاربران است.

انترناسیونال: امکان استفاده از ابزار شبکه های اجتماعی در ایران به چه میزان است؟ چه تجربه ای در این زمینه دارید؟

شیرین شمس: جایگاه شبکه های اجتماعی در جامعه ایران بخصوص در سطح جوانان جایگاه تثبیت شده ای است. استفاده از گوگل و یوتیوب برای دستیابی به اطلاعات، اخبار و وقایع و نیز فیسبوک و اینستاگرام و اپلیکشنهای تلفن های هوشمند اعم از وایپر، واتساپ، تلگرام، لاین و غیره جزء بخش جدایی ناپذیر جامعه ایران شده است. شاید عمر چندانی نداشته باشند ولی با چنان سرعتی از طرف جامعه استقبال شده است که در عرض مدتی کوتاه شاید بتوان به عنوان یکی از ضروریات مهم زندگی مردم بخصوص جوانان از آن یاد کرد. در واقع استفاده از شبکه های اجتماعی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به دلیل فیلترینگ و مواردی که در سوال قبلی به آن پاسخ دادم، سخت اما امکان پذیر است. این روزها در کنار خرید بسته های اینترنتی، فیلترشکن هم فروخته میشود. هر چند فیلتر شکن ها هزینه استفاده

از ما میپرسند:

حمید تقوایی:

آزادی از صندوق رای بیرون نمی آید

خیر این بهترین شکل نیست. این درک و تلقی رایج از دموکراسی و آزادی است که سرمایه داری رواج داده است. هر چند سال یکبار آحاد مردم را بپای صندوق رای میکشند تا از بین احزاب حاکم یکی را انتخاب کنند و بخانه بروند. این توده رای دهنده بجز همین رای چند سال یکبار هیچ نقشی در اداره امور ندارد. این تعیین سرنوشت بوسیله مردم نیست، بلکه سپردن سرنوشت بدست آن حزب و جناحی از طبقه حاکمه است که پول و امکانات بیشتری در مبارزه انتخاباتی داشته است. انتخاب شوندگان حتی به همین معنی محدود دموکراسی نیابتی هم اکثریت جامعه را نمایندگی نمیکند بلکه بوسیله اکثریت نسبی بخشی از مردمی که در انتخابات شرکت کرده اند

انتخاب میشوند. کاندیداها با درصدهائی نظیر چهل-پنجاه درصد از سی - چهل درصد جامعه که در انتخابات شرکت کرده است یعنی حدود بیست درصد کل مردم جامعه رئیس جمهور و نخست وزیر و نماینده پارلمان میشوند و معمولا هم بعد از توخالی از آب در آمدن وعده های انتخاباتیشان در همان چند ماه اول، همین درصد رای را هم از دست میدهند اما کماکان تا پایان دوره ریاست و وکالتشان "مسئولین منتخب مردم" باقی میمانند.

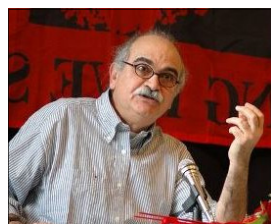
این انتخابات نیست نمایش عوامفریبانه ای است که به اسم دموکراسی هر چهارسال یکبار تکرار میشود. (تازه در کشورهای مهد دموکراسی اینطور است در کشوری مثل ایران تحت حاکمیت

جمهوری اسلامی که حتی در همین انتخابات هرچهار سال یکبار، نظر ولی فقیه و شورای نگهبان و غیره عامل تعیین کننده تری است تا رای مردم). آزادی واقعی مردم و مشارکت آنان در تعیین سرنوشت سیاسی شان وقتی تامین میشود که اولاً نه هر چند سال یکبار بلکه مداوماً رای و نظر آنان ملاک تعیین مسئولین و سیاستها باشد و ثانیاً نه صرفاً بعنوان رای دهنده بلکه بعنوان مجری و مسئولین انجام امور در سرنوشت سیاسی جامعه دخالت کنند.

تحقق این شرایط در گرو متشکل شدن و متشکل ماندن توده مردم است. در جامعه اتمیزه شده سرمایه داری که هر کس در خلوت خود و زیر بمباران تبلیغاتی و مهندسی افکار رسانه ها و چند حزب متعلق به یک درصد حاکم باید تصمیم بگیرد، رای آحاد مردم منفعت و آمال اجتماعی آنان را

منعکس نمیکند. بلکه تنها میتواند بازتاب استیصال و بی آلترناتیوی و انتخاب ناگزیر بین دو گزینه بد و بدتر باشد. بحث و شور و تبادل نظر جمعی و تصمیمگیری جمعی یک پیش شرط مهم اعمال اراده اجتماعی است. تنها مردم متشکل در شوراها و بر متن بحث و تبادل نظر و شور و مشورت در شوراها میتوانند منافع و اهداف هر عضو جامعه را به بهترین نحو نمایندگی بکنند. تصمیمگیری در شوراها نیز نهایتاً بر مبنای رای افراد است اما رای فرد عضو شورا کاملاً از رای فردی که باید در انزوا و خلوت خودش تصمیم بگیرد متفاوت خواهد بود. اولی مظهر قدرت و اراده و همراهی و همسرنوشتی فرد با دیگران است و دومی مظهر انزوا و هراس و ضعف فردی و رقابت فرد با دیگران.

خلاصه کنم. سپردن سرنوشت سیاسی جامعه به مسئولین و مقامات انتخاب شده بوسیله



از سرمایه دار تا کارگر هر فرد یک رای. آیا این بهترین شکل مشارکت همه آحاد جامعه در تعیین سرنوشتشان نیست؟

اکثریت نسبی بخشی از رای دهندگان تنها به معنی محرومیت از حق تعیین سرنوشت خود است و بس. آزادی، همانطور که جنبش اشغال اعلام کرد، از صندوق رای بیرون نمی آید بلکه حاصل مردم متشکل در تشکلهای شورائی است که مستقیماً نه تنها عزل و نسب مسئولین بلکه اجرای امور را در دست میگیرند. دموکراسی پارلمانی برای اقلیت سرمایه دار که میخواهد به اسم اکثریت منافع خود را پیش ببرد شکل مناسبی است اما منافع و آزادی و خوشبختی کل جامعه در گرو مدل و سیستم حکومتی ای است که طبقه کارگر پرچم آنرا بدست دارد: سیستم شورائی و اعمال اراده مستقیم مردم در امور جامعه. *

جایگاه شبکه های اجتماعی

از صفحه ۶

از اینترنت را مضاعف میکند اما برای یک جوان در ایران که دسترسی به اینترنت و دنیای خارج از مرزهای ایران و فراتر از رسانه های تحمیلی و انحصاری جمهوری اسلامی را برای خود ضروری میداند، پرداخت هزینه مضاعف حاشیه ای میشود. اصولاً در دنیای امروز امکان اینکه جلوی دسترسی انسان ها به اطلاعات را بگیریم تقریباً غیر ممکن است. هر چه تجهیزات فیلترینگ جمهوری اسلامی قوی، هوشمند و پیشرفته باشند، بازهم در مقابل ضرورت استفاده از اینترنت در ایران، ناتوان و عاجز است. در این میان بارها برخی مسئولین نظام جمهوری اسلامی از بیهوده بودن اعمال محدودیت بر شبکه های اجتماعی یاد کرده اند و درباره ضرورت قانونی شدن فعالیت شبکه های اجتماعی از جمله فیسبوک تاکید کرده اند. سخنان علی جنتی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این خصوص در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) در ۲۸ آبان ۹۲ یکی از بارزترین اظهارات و جنجال برانگیزترین آنها بوده است.

انترناسیونال: در حال حاضر چه فعالیت ها و کمپین هایی موضوع کار شما است؟

شیرین شمس: از آنجایی که فعالیت های ما در عرصه های مختلف اجتماعی و سیاسی از جمله جوانان، دانشجویان، جنبش رهایی زنان، دفاع از حقوق همجنسگرایان، دوجنسگرایان و ترنسجندرها و نیز جنبش ضددین است، در کنار نقد مداوم شرایط موجود و سازماندهی برای اعتراضات در داخل و خارج، یکی از فعالیت های ما اکشن های اعتراضی مشخص در داخل و خارج از ایران منوط به فرصت هایی که پیش می آید و وقایعی که اتفاق می افتد و نیز اکشن های مربوط به

روزهای جهانی است که به عرصه های فعالیتی ما مربوط می شود. همه برنامه های ما در قالب کار اجتماعی و دخالت دادن فعالین و افراد عادی جامعه تعریف میشود. پروژه مشخص شده ما در پیش رو مثل هر ساله که در فصل تابستان هفته آخر ماه جولای، (تیرماه) برگزار میشود، برنامه جامع و متنوع در زمینه دفاع از حقوق LGBT ها (همجنسگرایان، دوجنسگرایان و ترنسجندرها) است. قصد داریم در سال جاری بیش از پیش از شبکه های اجتماعی برای دخالت دادن جامعه استفاده کنیم. سازماندهی اعتراضات علیه اسید پاشی ها در ۳۰ مهر و سوم آبان ۹۳ در اصفهان و دیگر شهرهای ایران، و نیز سازماندهی برنامه اعتراضی در خلال فوتبال ایران و سوئد در ۳۱ مارس ۲۰۱۵، تجربه های ارزشمندی در استفاده از این نوع سبک کار در شش ماه اخیر برای ما بوده است.

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

فراخوان به مبارزه علیه اعدامها در ایران با تمام قوا در برابر اعدامها بایستیم!

بدهد اما مبارزه توده مردم برای برخورداری از منزلت و معیشت درخور شان انسان را شدید تر و گسترده تر خواهد کرد. شاخص دوره ای که آغاز میشود نه جنون آدمکشی و اعدامهای جمعی حکومت، بلکه میتواند و باید گسترش اعتراضات و مبارزات توده ای باشد. مبارزه برای توقف اعدامها و برای لغو مجازات اعدام یک عرصه مهم بچالش کشیدن جمهوری اسلامی در شرایط حاضر است.

اگر جمهوری اسلامی رکورد دار اعدام در دنیا است، مردم ایران نیز در صف اول مبارزه علیه اعدام قرار دارند. مردم ایران بویژه در یکسال اخیر با صدای بلند مخالفت داشته اند. و امروز جنبش علیه اعدام در ایران بمراتب قوی تر و گسترده تر از هر زمان دیگری است. حکومت اسلامی هر چه بیشتر اعدام میکند منفورتر و مستاصل تر میشود. میتوان و باید با قدرت در برابر اعدامها ایستاد و جمهوری اسلامی را به عقب راند.

حزب کمونیست کارگری همه فعالین جنبش علیه اعدام، نیروهای سیاسی مترقی و انسان دوست و احزاب چپ و انقلابی را به اعتراض علیه موج تازه اعدامها و مبارزه متحد و پیگیر برای لغو مجازات اعدام در ایران فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ فروردین ۱۳۹۴، ۱۵
آوریل ۲۰۱۵

جمهوری اسلامی دور تازه ای از اعدامهای جمعی را آغاز کرده است. به گزارش کمیته بین المللی علیه اعدام در عرض سه هفته گذشته بیش از ۵۵ نفر در ایران اعدام شده اند. قربانیان این جنایت زندانیان عادی و اکثرا متهمین پرونده های مواد مخدر اند اما علت و هدف اعدامهای اخیر کاملاً سیاسی است. این تلاش حکومت اسلامی برای زهر چشم گرفتن از جامعه بدنیال سر کشیدن جام زهر هسته ای در لوزان است. رو به مردم تیغ میکشند که برباد رفتن پروژه هسته ای و کوتاه آمدن در برابر "شیطان بزرگ" را جبران کنند.

اعدام به هر دلیل و بهانه ای چیزی جز قتل عمد دولتی نیست و در همه کشورها باید ملغی بشود اما در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی اعدام یک رکن بقای حکومت است. میزنند و میکشند که قدرت جهنمی شان را حفظ کنند. میدانند که تعامل و سازش آنها با دولتهائی که تاکنون شیطان بزرگ و استکبار جهانی و دشمن اسلام و غیره قلمداد میکردند عملاً فراخوانی خواهد بود به تعرض هر چه گسترده تر توده مردم به ستوه آمده از وضعیت موجود. فرجام نهائی توافقات هسته ای هر چه باشد و رابطه جمهوری اسلامی با غرب به هر جا برسد جامعه ایران با حکومت اسلامی سر سازش ندارد. سازش با دول غربی ممکن است مخالفت خوانیهای نهادها و سازمانهای حقوق بشری را تخفیف

به بان کی مون دبیر کل سازمان ملل و مارتین شولتز رئیس پارلمان اروپا از مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام

حقوق بشر در ایران سکوت کردند. اکنون این مهر سکوت بعد از توافق لوزان سنگین تر هم شده است. از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام که در ارتباط مستقیم با زندانها در ایران و همچنین در ارتباط با خانواده های محکومین به اعدام هست، از شما میخوانم که در مقابل این موج شتابنده اعدامها در ایران حتماً اعتراض کنید!

تروریسم فقط بمب گذاری در مراکز عمومی و یا تقلا برای دستیابی به بمب اتمی نیست، تروریسم یعنی کشتن بیش از ۱۰۰۰۰ نفر در ایران، و کشتن حداقل دو نفر در هر روز در زندانهای این رژیم. تروریسم یعنی اعدام بیش از ۷۰۰ نفر در دوره روحانی "معتدل"!

ما خواهان تنبیه جمهوری اسلامی ایران و اعمال تحریم های سیاسی علیه این حکومت بدلیل اعدامها هستیم.

سکوت شما در مورد این جنایات، از نظر محکومین به اعدام و خانواده های آنان و مردم ایران قبل توضیح نیست.

اعدامها در ایران را محکوم کنید و خواهان پایان یافتن این جنایات وحشیانه در ایران شوید.

با احترام
مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۴ آوریل ۲۰۱۵

Web: www.icae-iran.org
Tel: 0049 (0) 1775692413



iran.com/1394/01/6859/

در ایران بعد از تن دادن جمهوری اسلامی ایران به آتش بس در جنگ ایران و عراق، خمینی پذیرش این آتش بس را نوشیدن جام زهر نام نهاد و بعد از آن در زندانهای حکومت اسلامی هزاران فعال سیاسی اعدام شدند، فعالینی که گاه فقط به چند سال زندان محکوم شده و یا در حال سپری کردن روزهای آخر زندان بودند. اکنون که سخن از جام زهر دوم است به درست بسیاری از محکومین به اعدام و زندانیان سیاسی نگران عواقب این نوشیدن جام زهر دوم از سوی خامنه ای هستند.

دلیل این جنایات حکومت اسلامی اینست که وقتی در سطح بین المللی مجبور به زانو زدن میشوند و در این مورد مجبور به توقف موقت پروژه ساختن بمب اتم شده اند، رو به مردم چنگ و دندان نشان میدهند و میگویند که هنوز میتوانند حکومت کنند و بکشند.

در طول مذاکرات طولانی پنج بعلاوه یک و دولت امریکا با جمهوری اسلامی ایران، همه این دولتها همچون قبل در مورد اعدامها و جنایات و نقض وحشیانه

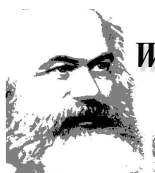
آقایان بان کی مون و مارتین شولتز!

چند روز بعد از توافق هسته ای جمهوری اسلامی ایران در لوزان، همانگونه که نگرانیهایی در بین زندانیان و محکومین به اعدام وجود داشت، موج جدید و گسترده تر اعدامها در ایران آغاز شد.

در زندان مرکز کرج روز شنبه ۱۱ ماه آوریل رژیم قصد انتقال ۴۰ نفر به سلول انفرادی جهت اجرای حکم اعدام را داشت که با اعتراض و شورش زندانیان روبرو شد. در نهایت بعد از تظاهرات خانواده ها در مقابل دادسرای کرج در روز یکشنبه ۱۲ ماه آوریل که فیلم آن موجود است، حکومت اسلامی ایران روز دوشنبه ۱۳ ماه آوریل ۸ جوان را در این زندان اعدام کرد. در زندان رجایی شهر خود زندانیان به کمیته بین المللی علیه اعدام اطلاع داده اند که ۱۱ نفر برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شده اند، و امروز سه شنبه ۱۴ آوریل خبر رسید که همه این زندانیان و به احتمال قوی ۱۹ نفر در این زندان اعدام شدند. و در زندان زابل روز شنبه یک نفر اعدام شد و ۳ زندانی محکوم به اعدام در خطر اجرای حکم هستند. در این زندان از روز جمعه ۱۰ آوریل دو زندانی را به ستون بسته اند بدون آب و غذا و سپس میخوانند آنها را اعدام کنند!

این لینک اعتراض مردم در مقابل دادسرای کرج در روز یکشنبه ۱۲ آوریل ۲۰۱۵ است.

<http://icae->



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

